



کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران  
Iranian Islamic Human Rights Commission  
لجنة حقوق الانسان الاسلاميه في ايران



# تعیین مفهوم و دامنه حقوق فرنگی در موازین بین المللی حقوق بشر



امور تحقیق و پژوهش  
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

## به نام خدا

تدوین: امور تحقیق و پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تاریخ تدوین نهایی: مهر 91

امور تحقیق و پژوهش کمیسیون متشکل از 10 واحد تخصصی جداگانه است که به طور مرتب از سه زاویه نظام حقوقی ایران، نظام بین المللی حقوق بشر و موازین اسلامی، تولید محتوا برای بهره مندی محافل حقوقی و کارشناسان ذیربط یا اطلاع رسانی عمومی و یا بهره برداری های کاربردی ارتقا حقوق انسانی ارائه می دهد. در این راستا عموم صاحب نظران خصوصاً حقوق دانان می توانند در این تلاش علمی مشارکت نموده و نهاد عام المنفعه ملی پیشبرد حقوق بشر ایران را در انجام هر چه بهتر وظایف خود یاری رسانند.

نقل داده های موضوعی یا دیدگاه های مطروحه کارشناسان و صاحب نظران صرفاً به عنوان معرفی ایده های علمی بوده و لزوماً به معنای تأیید دیدگاه آنان از سوی کمیسیون نیست. امور تحقیق و پژوهش کمیسیون از هرگونه دیدگاه تکمیلی بر نظرات مطروحه استقبال و به ضمیمه گزارشات بعدی منتشر می نماید.

حق نشر متعلق به کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران است و هرگونه سوء استفاده قابل پیگرد قانونی می باشد. نقل مطالب با ذکر منبع بلا مانع است.

آدرس دفتر مرکزی کمیسیون: تهران، سید خندان، ابتدای سهروردی شمالی، کوچه قرقاول، پلاک 2 (6 قدیم)  
صندوق پستی: 137-13165 یا 19395/4698 تلفن: 4 - 88529742 (021)، دورنگار: (021)88768807

## عنوان گزارش

تعیین مفهوم و دامنه حقوق فرهنگی در موازین بین المللی حقوق بشر

اشاره:

بشر چون موجودی ذی شعور و صاحب عقل و اندیشه است طبیعتاً عمده ترین نیاز او فراتر از پاسخ دهی به غرائز طبیعی، کسب معرفت و دانائی است و همین نیاز ذاتی است که انسان را به تکاپوی فکری می کشاند و حقوق فرهنگی او را اولویت و جایگاهی فراتر از سایر نیازها و حق ها می بخشد. با این حال، در ادبیات تخصصی حقوق بشر معاصر اهتمام لازم به این عرصه از حقوق انسانی آنهم به صورت منسجم و جامع معمول نشده است، اگر چه برخی از مصادیق مطرح ذیل حقوق سیاسی و مدنی از قبیل آزادی اندیشه، وجدان و دین یا آزادی نظر و بیان از جمله مهم ترین جلوه های حقوق فرهنگی نیز هستند و سالهاست که در موازین حقوق بشر تثبیت شده و ابعاد مختلف آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است یا مصداقی همانند حق بر آموزش به عنوان یکی دیگر از مصادیق حقوق فرهنگی در حد گسترده ای سالهاست مورد توجه هنجارهای حقوقی بین المللی قرار گرفته است. همین سابقه را در برخی مصادیق دیگر حقوق فرهنگی مثل مالکیت فکری و معنوی نیز در چارچوب سازمان تخصصی ذیربط یعنی وایپو می توان دید. در سالهای اخیر، تلاشهای گسترده ای در سطح جهانی معمول شده تا نگاهی همه جانبه به حقوق فرهنگی معمول شود و در همین راستا بوده که در سازمان ملل گزارشگر ویژه ای با موضوع حقوق فرهنگی تعیین شده است یا در چارچوب سازمان علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) اسناد متعددی در قالب اعلامیه یا کنوانسیون به ابعادی از حقوق فرهنگی از قبیل تنوع فرهنگی یا میراث فرهنگی یا حق بر آموزش پرداخته اند. هم چنین در دیگر بخشهای ملل متحد حتی در سازمان جهانی بهداشت یا سازمان بین المللی کار تلاشهایی در دست انجام است تا عناصر فرهنگی در ارتقا سلامت مردم یا در حوزه اشتغال به طور جدی مورد توجه قرار گیرد، همانگونه که در فعالیت های ملل متحد مربوط به توسعه پایدار میتوان رویکرد فرهنگی را مشاهده کرد. با همه این تلاشها به نظر می رسد در نظام ملل متحد هنوز ناهماهنگی ها و ناهم خوانی هائی در نوع نگرش به فرهنگ و حقوق فرهنگی قابل شناسائی است، شاید دلیلش نیز این باشد که جریانهای فکری مختلف موجود میان دولت‌های عضو ملل متحد هر یک سعی می کنند تا دیدگاههای خود را با نظر موافق دیگران همراه کنند و چون این فرایند هنجارسازی، عمدتاً با لابی های دیپلماتیک و ابزار های تاثیرگذاری مختلف غیر حقوقی توأم است، در مصادیق مختلف سازشگری و مصالحه دیدگاهها موجب ظهور و بروز یک قاعده می شود نه اینکه مبتنی بر یک بررسی همه جانبه تحقیقی و علمی و احیاناً بر اساس یک دیدگاه جهان شناسانه و انسان شناسانه دقیق تدوین گردند. صرفنظر از آسیب یاد شده، طی سالهای اخیر نگرانی های زیادی از سوی برخی کشورهای مستقل در قبال اقدامات کشورهای توسعه یافته برای فرهنگ سازی یکسویه جهانی ابراز

شده و تحرکی در جهت حفظ هویت فرهنگی بومی ملت‌ها شکل گرفته که نمودهای آنرا در سطح هنجارسازی های بین المللی نیز می توان یافت.

برای فعالان جامعه ایران به دلایل مختلف حقوق فرهنگی حائز اهمیت است چرا که مهم ترین پیام انقلاب اسلامی سال 1357 پیام فرهنگی بوده و مبنای قانون اساسی ایران یعنی اندیشه اسلامی نیز بیشترین تاکیدات را بر فرهنگ و رشد فرهنگی انسان دارد، علاوه بر اینها نمی توان انکار کرد که جامعه ایران از سوی برخی از قدرتهای سیطره گر بین المللی به شدت تحت برنامه های فرهنگی خاص قرار دارد تا بتوانند از این طریق میوه های سیاسی اجتماعی در راستای منافع خود را بچینند. بر همین اساس لازم است تا ضمن شناسائی دقیق مباحث تخصصی بین المللی مربوط به حقوق فرهنگی ، حضوری فعال و ایجابی در این عرصه داشت .گزارش حاضر تلاشی است که سرکار خانم زهره سادات امیر آفتابی دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی واز همکاران امور پژوهشی کمیسیون انجام داده تا زوایائی از بحث تخصصی حقوق فرهنگی در نظام بین المللی حقوق بشر را تبیین نماید. ایشان سوای کار حاضر در سامانه وبلاگ های تخصصی حقوق بشر نیز در وبلاگ حقوق فرهنگی فعال هستند . علاقمندان می توانند تلاشهای اطلاع رسانی مزبور را هم مورد توجه قرار دهند. امید است گزارش حاضر مورد استفاده مخاطبان ارجمند قرار گیرد و در آینده شاهد تولیدات فکری مفصل تری در این حوزه باشیم.

یادآوری می نماید که چند سال قبل در کمیسیون پژوهشی مفصل در زمینه حقوق فرهنگی از دیدگاه بین المللی ونظام حقوقی ایران انجام شده که امیدواریم این پژوهش نیز بزودی در قالب کتاب تقدیم جامعه علمی کشور شود و نکته آخر اینکه در برخی مصادیق حقوق فرهنگی همانند حق به آموزش تا کنون چند کتاب از سوی کمیسیون منتشر و تقدیم مخاطبان ارجمند شده است که علاقمندان می توانند آنها را مطالعه کنند.

**امور آموزشی پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران**

مهرماه 1391

## چکیده:

مسئله حقوق فرهنگی به عنوان یک طیف از حق های پذیرفته شده جهانی، امروزه به شدت حائز اهمیت و دارای آثار مختلف جلوه کرده است. جامعه جهانی امروز دریافته است که رعایت و تضمین این حقوق در بستر احترام به تنوع فرهنگی، زمینه‌ی اساسی برای تحقق و رعایت کامل سایر حق های بشری است.

همچنین اهمیت شناسایی و استفاده از این حقوق برای کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای آسیایی و آفریقایی، جهت تقویت گروه‌ها و اجتماعات فرهنگی خود و مشارکت در تبادلات فرهنگی فرآیند جهانی، دو چندان شده است. از این رو با توجه به پژوهش‌های اندکی که در این زمینه، به خصوص در مباحث نظری، در کشور ما صورت گرفته است؛ انجام پژوهشی هر چند مختصر در زمینه مفهوم و ابعاد حقوق فرهنگی ضروری به نظر می‌رسید تا راهگشای تأملات عمیق‌تر صاحب‌نظران در این زمینه باشد.

این پژوهش ضمن سه گفتار الف) پیشینه و اهمیت حقوق فرهنگی در حقوق بین‌الملل، ب) تعریف و تعیین گستره‌ی حقوق فرهنگی، ج) ارتباط حقوق فرهنگی با مسائل و چالش‌های روز عرصه‌ی بین‌الملل، ساماندهی شده و موضوع مهم یادشده را مورد بررسی قرار می‌دهد.

کلید واژگان:

حقوق فرهنگی، تنوع فرهنگی، جهان شمولی حقوق بشر، جهانی شدن

## مقدمه:

حقوق فرهنگی مسئله‌ای است که از دیرباز در زمره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشری قرار گرفته است. این حقوق به عنوان نسل یا طیف دوم حقوق بشر در مقابل نسل یا طیف اول (حقوق مدنی و سیاسی) توصیف می‌شود. علت این دسته‌بندی را می‌توان در خاستگاه تاریخی این دو جستجو نمود؛ چرا که حقوق نسل دوم در واقع حقوقی است که از رشد آرمان‌های سوسیالیستی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، در مقابل حقوق مدنی و سیاسی، برخاسته از آرمان‌های لیبرالی، سرچشمه گرفته است.<sup>1</sup> این تفکیک عاملی برای تقابل ذاتی این دو طیف حقوق گردیده و به این اندیشه دامن زده است که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دسته‌ای متمایز و مجزا از حقوق بشر هستند. علی‌رغم توجه ارکان سازمان ملل به ارزش یکسان این حقوق و تصویب همزمان هر دو میثاق حقوق بشری و ذکر یکسان بودن درجه اهمیت این دو دسته از حقوق در میثاق، تفکیک و تهیه و تدوین سریع‌تر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ادعای برتری این حقوق را نزد برخی پژوهشگران یا عمل‌گرایان تقویت نموده است.

به همین جهت علی‌رغم آن‌که در محدوده سازمان ملل همواره بر «تفکیک‌ناپذیری و وابستگی متقابل» حق‌های بشری تاکید می‌گردد و این مسئله مورد توافق جهانی است، در عمل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد غفلت واقع شده است.

بازتاب این مسئله در حقوق ملی کشورها به شکل جدی‌تر مشاهده می‌شود؛ چراکه در اکثر کشورها حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از عرصه‌ی گفتمان حقوق بشری رایج، اغلب غایب است. حتی در کشورهایی که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در قوانین اساسی خود به رسمیت شناخته‌اند و یا میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به شکل جزئی در قوانین داخلی خود وارد نموده‌اند، راهکار اجرایی مناسب و ضمانت‌اجرای کافی برای این حقوق موجود نیست. در واقع، قانون‌گذار داخلی و دادگاه‌های ملی به این حقوق و اعاده آن توجه کافی نداشته و در بسیاری موارد با توصیفات ساده‌انگارانه، این

<sup>1</sup> بررسی دلایل این تفکیک از مجال این بحث بیرون است. برای مطالعه بیشتر ن.ک:

Eide, Asbjorn and Allan Rosas, "Economic, Social and Cultural Rights: A Universal Challenge", *Economic Social and Cultural Rights*, London, MartinusNijhoff Publishers, 2<sup>nd</sup> edit, 2001, pp 4-5.

کریون، میتوسی. آر.، چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترجمه محمد حبیبی مجنده، قم، دانشگاه علوم انسانی مفید، ۱۳۸۷.



حقوق را به عنوان حق‌های غیرقابل دادخواهی مورد شناسایی قرار می‌دهند. به همین جهت رویه قضایی مشخصی در رابطه با این حقوق در اکثریت کشورها شکل نیافته است.<sup>1</sup>

در این میان وضعیت حقوق فرهنگی نسبت به حقوق اقتصادی و اجتماعی بشری به مراتب ناخوشایندتر است. حتی در اسناد مربوط به سازمان ملل نیز عموماً از حقوق فرهنگی به عنوان حقوق توسعه‌نیافته یاد می‌شود.<sup>2</sup> در برنامه‌های سازمان ملل، ما شاهد پیگیری برنامه‌های جامع اقتصادی و توسعه‌های اجتماعی هستیم در حالی که توجه کمتری به حقوق فرهنگی، توسعه فرهنگی و تحقق آن‌ها معمول گردیده است. گرچه اقداماتی در زمینه حقوق فرهنگی، چه به صورت موردی و چه به طور کلی، توسط یونسکو به ویژه در دهه توسعه فرهنگی<sup>3</sup> را شاهد بوده‌ایم؛<sup>4</sup> اما این زمینه سازی‌ها کافی نبوده و به اذعان خود کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد در این زمینه با خلاهای فراوان و فقدان ابزارهای قانونی موثر و مکفی در این عرصه روبرو هستیم.

البته، نباید از نظر دور داشت که شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد توجه ویژه‌ای به حقوق فرهنگی، به ویژه در بررسی گزارش‌های سالانه کشورها معمول داشته است و همواره دولت‌ها را به رعایت حقوق فرهنگی افراد مقیم در کشور خود توصیه نموده است؛ اما این تلاش‌های پراکنده در راستای احیای حقوق فرهنگی کافی نبوده است؛ چرا که حقوق فرهنگی، گستره‌ی بسیار وسیعی از حقوق بشر را تشکیل می‌دهد. بسیاری از مصادیق حقوق بشر حتی اگر به طور مستقیم در دسته‌ی حقوق فرهنگی جای نگیرند، به آن وابسته هستند. طبق گزارش گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی، حقوق فرهنگی طیف وسیعی از حق‌های بشری هستند که در واقع پایه و اساس تحقق حقوق بشر را تشکیل می‌دهند.<sup>5</sup>

با عنایت به جایگاه ویژه حقوق فرهنگی در تحقق حقوق بشر و با توجه به کمبود بحث‌ها و بررسی‌ها در این زمینه، به ویژه در کشورمان ایران، این پژوهش را به تعیین مفهوم و تبیین گستره‌ی حقوق فرهنگی با

<sup>1</sup>. همان، ص ۳۶.

<sup>2</sup>. Report: "Report of the Independent Expert in the Field of Cultural Rights, Ms. Farida Shaheed, Submitted Pursuant to Resolution 10/23 of the Human Rights Council", A/HRC/14/36/, 22 march 2010, Para. 3.

<sup>3</sup>. براساس قطعنامه شماره ۲۰/۱۱ یونسکو، (۱۹۹۸-۱۹۸۷) به عنوان دهه جهانی توسعه فرهنگی تصویب شد که دستور کار آن در قطعنامه شماره ۴۱/۱۸۷ مجمع عمومی سازمان ملل مشخص گردیده است.

<sup>4</sup>. Intergovernmental conference on institutional administrative and financial aspects of cultural policies (24 Aug. - 2 Sep. 1970, Venice); World Conference on cultural policies (26 July- 6 Aug. 1982, Mexico city); Intergovernmental conference on cultural policies for development (30 march- 2 April 1988, Stockholm).

<sup>5</sup>. *Ibid.*

تاکید بر گزارش‌ها و روی‌کردهای گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه حقوق فرهنگی اختصاص داده‌ایم. ابتدا در گفتار اول پیشینه حقوق فرهنگی را برای ایجاد زمینه مناسب جهت شناخت بهتر از این حقوق و اهمیت پرداختن به آن مورد مطالعه قرار می‌دهیم. سپس در گفتار دوم به بررسی و تعیین مفهوم حوزه‌ی فرهنگی و قلمرو آن پرداخته می‌شود و نهایتاً در گفتار سوم برخی از مفاهیم نزدیک با حقوق فرهنگی و ارتباط آن‌ها را جهت تبیین هر چه بهتر این حقوق، مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

## گفتار اول - پیشینه و اهمیت حقوق فرهنگی در حقوق بین‌الملل

مطالعه پیشینه و نحوه شکل‌گیری هر اصطلاحی به شناخت و درک عمیق‌تری از آن کمک خواهد نمود. اصطلاح حقوق فرهنگی نیز همانند بسیاری از مفاهیم معمول در عرصه بین‌الملل فراز و نشیب بسیاری را تا رسیدن به مفهوم امروزی خود پیموده است که در بند اول این گفتار، در راستای درک عمیق ریشه‌های حقوق فرهنگی، به آن پرداخته خواهد شد.

اما در راستای بررسی مفهوم حقوق فرهنگی نخستین پرسشی که به ذهن متبادر خواهد شد، این نکته است که اصولاً بر شناسایی این مفهوم در میان حق‌های بشری شناخته شده جهانی چه فایده‌ای مترتب است؟ به بیان دیگر، اهمیت حقوق مزبور در کجاست که پژوهش مزبور به مفهوم و گستره‌ی آن اختصاص یافته است؟ پاسخ این پرسش در بند دوم این گفتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### بند اول - پیشینه حقوق فرهنگی

منشور سازمان ملل متحد نخستین سند بین‌المللی بود که در بند 1 ماده 3 خود، در بیان مقاصد سازمان ملل، به لزوم حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائلی که دارای جنبه فرهنگی هستند توجه نمود. این منشور در این راستا، در بند 1 ماده 62 خود، ارائه گزارش و توصیه در مسائل فرهنگی به کشورهای عضو را از اختیارات شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل قرار داد.

اما اصطلاح حقوق فرهنگی، نخستین بار در مذاکرات تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر 1948 مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.<sup>1</sup> پس از تصویب سند مذکور توسط کمیسیون حقوق بشر و در روند تهیه پیش-

<sup>1</sup> بر اساس ماده ۱۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸: «هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است بوسیله‌ی مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه‌ی رشد و نمو آزادانه‌ی شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد»؛ و بر اساس ماده ۲۷: «(۱) هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنر ها بهره‌گیرد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد. (۲) هر کس حق دارد از حمایت منافع مادی و معنوی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.»



نویس میثاقین حقوق بشری، تردیدها و پرسش‌هایی پیرامون تدوین حقوق بشر در دو میثاق و سند جداگانه یا توأمان، برای کمیسیون مزبور ایجاد شد که مجمع عمومی ملل متحد در مقام پاسخگویی به این پرسش، طبق قطع‌نامه 421 خود به سال 1950 اعلام نمود که کمیسیون باید یک کنوانسیون واحد در زمینه حقوق بشر تدوین نماید؛ اما این دیدگاه در سال بعد با رایزنی‌های دولت‌های غربی تغییر کرد و ضمن قطع‌نامه 543 مجمع عمومی به سال 1952 از کمیسیون خواسته شد که حقوق مطروحه در اعلامیه جهانی حقوق بشر 1948 را به دو میثاق بین‌المللی تقسیم کند، یکی میثاق حقوق مدنی و سیاسی و دیگری میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.<sup>1</sup>

بدین ترتیب گام بعدی در توسعه حقوق فرهنگی با تصویب میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی 1966 برداشته شد.<sup>2</sup>

اما میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دلایل مختلف از جمله غالب بودن دیدگاه‌های لیبرال غربی در سطح جهانی و یا حتی شاید نقش فعالانه دولت در تحقق این حقوق و هزینه‌بردار بودن آن‌ها چندان مورد توجه آن‌ها قرار نگرفت.

پس از دهه هفتاد، اهمیت این حقوق بر جامعه بین‌المللی آشکار شد و تلاش‌هایی در جهت شناخت و توسعه حق بر فرهنگ از سوی سازمان ملل، بالاخص از جانب یونسکو صورت پذیرفت.

همان‌طور که ملاحظه شد، یونسکو در بیست و دومین اجلاس خود در پاریس به سال 1983 طبق قطع‌نامه شماره 20/11 خود<sup>3</sup>، دهه 1978 تا 1998 را دهه توسعه فرهنگی نامید و برنامه‌های مختلفی را در زمینه ارتقای جایگاه فرهنگ در جامعه بین‌المللی برگزار نمود؛ از جمله کنفرانس‌های جهانی مختلف در زمینه فرهنگ<sup>4</sup> و تصویب کنوانسیون‌ها و قطع‌نامه‌های متفاوت در این زمینه، به ویژه میراث فرهنگی<sup>5</sup> و

<sup>1</sup>.Eide, Asbjorn and Allan Rosas, *Op, Cit.* p 4.

<sup>2</sup>. طبق ماده ۱۵ این میثاق: «(۱) دولت‌های عضو این میثاق حقوق زیر را برای هر فرد به رسمیت می‌شناسند: الف) مشارکت در زندگی فرهنگی... (۲) اقداماتی که به وسیله دولت‌های عضو برای دستیابی و تحقق کامل این حقوق در این میثاق به عمل خواهد آمد، شامل اقدامات لازم جهت حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ می‌باشد».

<sup>3</sup>.Resolution: "World Decade for Cultural Development", 11/20, UNESCO, 22th session, 1983.

<sup>4</sup>.Intergovernmental conference on institutional administrative and financial aspects of cultural policies (24 Aug. - 2 Sep. 1970, Venice); World Conference on cultural policies (26 July- 6 Aug. 1982, Mexico city); Intergovernmental conference on cultural policies for development (30 march- 2 April 1988, Stockholm).

<sup>5</sup>.Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict with Regulations for the Execution of the Convention 1954; Declaration of Principles of International Cultural Co-operation 1966; Convention concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, Paris, 16 November 1972; Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage, Paris, 2 November 2001; UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity, 2 November 2001; Convention

بسترسازی و فرهنگ‌سازی لازم در این زمینه از طریق انتشار محصولات فرهنگی متفاوت از جمله کتب، بولتن‌ها، بروشورها، ویدیوهای آموزشی و.... .

بازتاب این تلاش‌ها در ادبیات برنامه‌ریزی‌های توسعه جهانی و ایجاد جایگاه گزارشگر ویژه حق بر آموزش در سازمان ملل، به سال 1998 آشکار شد که نشانه گامی جدی از سوی جامعه جهانی در راستای توسعه این حقوق بود و نمود کامل این تلاش‌ها و توجه را می‌توان در تعیین مقام گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه حقوق فرهنگی، طبق قطع‌نامه 10/23 شورای حقوق بشر در سال 2009 مشاهده نمود که قطعاً گامی جدی و موثر در راستای توسعه و تضمین و تدوین اسناد و ابزار کارآمد در رابطه با حقوق فرهنگی در سطوح بین‌المللی و ملی خواهد بود.

این مقام تا کنون فعالیت‌های مثبتی را در زمینه تعیین و تبیین مفهوم حقوق فرهنگی و قلمرو آن و ارتباط آن با جهانی شدن و فرآیند توسعه و دسترسی، مشارکت و مساعدت در حیات فرهنگی بدون هرگونه تبعیض، از طریق بازدید از کشورهای مختلف<sup>1</sup>، برگزاری سمینارها<sup>2</sup>، ارائه مشاوره‌های عمومی<sup>3</sup> و گزارش در زمینه‌های مختلف از جمله مشارکت در حیات فرهنگی، احترام به تنوع فرهنگی، بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و محصولات آن و...<sup>4</sup> به شورای حقوق بشر، در جهت توسعه حقوق فرهنگی صورت داده است.

بند دوم - اهمیت حقوق فرهنگی:

---

for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage, Paris, 17 October 2003; Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions, Paris, 20 October 2005...

<sup>1</sup>. روسیه، مراکش، اتریش و برزیل

<sup>2</sup>.Seminar organized by the Office of the High Commissioner for Human Rights, in partnership with the International Organization of La Francophonie and UNESCO, in collaboration with the Observatory of diversity and cultural rights, 1 - 2 February 2010.

<sup>3</sup>.Public consultation on " Access to cultural heritage as a human right", Geneva, 10 February 2011;Public consultation on the right to enjoy the benefits of scientific progress and its applications, 7 December 2011.

<sup>4</sup>. "Promotion of the enjoyment of the cultural rights of everyone and respect for cultural diversity", A/HRC/14/L.14, HRC, 14<sup>th</sup> Session, 11 June 2010; "Promotion of the enjoyment of the cultural rights of everyone and respect for cultural diversity", A/HRC/RES/14/9, HRC, 14<sup>th</sup> session, 23 June 2010;"Promotion of the enjoyment of the cultural rights of everyone and respect for cultural diversity", A/HRC/17/L.22, HRC, 17<sup>th</sup> session, 10 June 2011; "Promotion of the enjoyment of the cultural rights of everyone and respect for cultural diversity", A/HRC/RES/17/15, HRC, 17<sup>th</sup> session, 14 July 2011; "Special Rapporteur in the field of cultural rights", A/HRC/RES/19/6, HRC, 19<sup>th</sup> session, 3 May 2012; "Report of the Special Rapporteur in the field of cultural rights, Farida Shaheed - The right to enjoy the benefits of scientific progress and its applications", A/HRC/20/26, HRC, 20<sup>th</sup> session, 5 April 2012; "Promotion of the enjoyment of the cultural rights of everyone and respect for cultural diversity", A/HRC/20/L.18, HRC, 20<sup>th</sup> session, 2 July 2012; "Promotion of the enjoyment of the cultural rights of everyone and respect for cultural diversity", A/HRC/RES/20/11, HRC, 20<sup>th</sup> session, 16 July 2012.

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره گردید، دوگانگی ایجاد شده در میثاقین حقوق بشری 1966 موجب ایجاد تمایزاتی میان حقوق مطروحه در این دو سند و تفکیک آنان گردید. بر اساس این برداشت، حقوق فرهنگی به عنوان حقوق نسل دوم در برابر حقوق مدنی و سیاسی به عنوان حقوق نسل اول قرار گرفت و بعدها حقوق همبستگی، همچون حق تعیین سرنوشت و حق بر توسعه به عنوان حقوق نسل سوم به آن اضافه گردید. در این میان در عمل همواره حقوق نسل اول مورد توجه بیش‌تر و در اولویت بوده‌اند.

این تقسیم‌بندی نخستین بار توسط کارل واساک<sup>1</sup> به عنوان پیشنهاد مطرح شد و توسط بسیاری از نویسندگان این عرصه به دنبال وی تکرار شد.

با این حال، برخی از اندیشمندان با اساس این تقسیم‌بندی موافق نیستند و معتقدند نمی‌توان تاریخچه تحول حقوق بشر را طبق گفته واساک در سطح ملی بر اساس این دسته‌های ارائه شده دسته‌بندی کرد؛ و در صورت پذیرش این تقسیم‌بندی باید میان حقوق مدنی و سیاسی نیز تقسیم قائل شد؛ چراکه در بسیاری از کشورها حقوق سیاسی بسیار دیرتر از حقوق مدنی و حتی در برخی بسیار دیرتر از حقوق اقتصادی و اجتماعی به عنوان یک حق بشری پذیرفته شده است.

البته تمایزهای موجود میان حقوق مدنی و سیاسی از یک سو و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نمی‌توان انکار کرد و به درستی گفته شده است که بیش‌تر این تمایزات مربوط به نقش دولت در تحقق و تضمین این حقوق است. نقش ایجابی دولت در تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقشی فعال‌تر نسبت به حقوق مدنی و سیاسی است؛ اما این نباید باعث شود که مطابق خواست برخی از دولت‌ها آن‌ها اصلاً حقوق خوانده نشوند یا در دانشگاه‌ها به عنوان حقوق غیر قابل دادخواهی مورد تدریس قرار بگیرند.

این گفته که این دسته از حقوق شامل حقوق توده‌ای از افراد آسیب‌پذیر از جمله، اقلیت‌های مذهبی، قومی، زبانی و... می‌شوند، صحیح است و به همین جهت در مواردی نیازمند حمایت‌های ویژه هستند؛ اما این در مورد تمامی این حقوق صادق نیست. به علاوه، هنگامی که در می‌یابیم که این حقوق بیش از حقوق مدنی و سیاسی با برنامه‌ها و سیاست‌ها و اهداف جامعه در ارتباط هستند، به معنی مجوزی جهت حذف نام آن‌ها از حقوق افراد در مقابل دولت‌ها نیست؛ بلکه این بر ضرورت توجه به این حقوق و مفهوم دقیق آن در برنامه‌ریزی‌ها و اهداف کلان تاکید می‌کند.

---

1. Karel Vasak

در واقع دولت نباید به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان مانند امتیازی که در اختیار آنان قرار می‌دهد نگاه کند؛ بلکه این‌ها حق‌هایی هستند که افراد در برابر دولت‌ها دارند و باید در برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی لحاظ گردد. باید توجه داشت که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بخشی از حقوق بشر جهانی هستند و نقش مهمی در حفظ ماهیت همبستگی جهانی مطروحه و بهبود زندگی افراد آسیب‌پذیری، چون زنان، کودکان، سالمندان و معلولان به صورت فردی و گروهی بازی می‌کنند.<sup>1</sup>

در اهمیت حقوق فرهنگی به عنوان یکی از اجزای حقوق بشر جهانی، باید گفت گرچه بی‌توجهی‌ها به این حوزه از حقوق، موجب گردیده است که به آن اولویت کمتری داده شود؛ اما حقوق فرهنگی یکی از حقوق مبنایی پذیرفته شده در حقوق بشری جهانی است که زمینه ساز تحقق رعایت و احترام به کرامت و هویت‌های گوناگون انسانی با ملاحظه تنوع فرهنگی است. در واقع این حقوق اذهان را برای پذیرش تنوع فرهنگ‌ها و هویت‌های افراد انسانی، تکثرگرایی و تساهل و مدارای افراد با آن فراهم می‌کند که تا حدود زیادی مبنای ایجاد همبستگی اجتماعی و در سطح وسیع‌تر، همبستگی جهانی است. بدین ترتیب این حقوق علاوه بر ارتباط مستقیم با تحقق حقوق نسل اول، با ایجاد بستر فکری مناسب، به صورت غیر مستقیم و مبنایی با حقوق نسل سوم و تحقق آن نیز در ارتباط است.

به همین جهت، در قطع‌نامه 10/23 شورای حقوق بشر و اولین گزارش گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی ملل متحد مطرح شده است که حقوق فرهنگی جزء کامل‌کننده، جهانی، تقسیم‌نشده، وابسته و جدایی‌ناپذیر حقوق بشر است. در بسیاری موارد، حقوق فرهنگی برای شناسایی و رعایت کرامت انسانی حیاتی است؛ که توسعه و بیان اهداف مختلف جهانی را تضمین می‌کند و شامل آزادی‌های مربوط به هویت انسانی می‌شود.<sup>2</sup> در نظر عام تفسیری شماره 21 کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در اهمیت این حقوق، بیان شده است که ترویج و رعایت کامل حقوق فرهنگی، برای پاسداشت کرامت انسانی و حفظ تعامل مثبت اجتماعی میان افراد و اجتماعات چند فرهنگی و متنوع در جهان امری حیاتی است.<sup>3</sup>

طبق نظر گزارشگر ویژه، فراهم آوردن درک کاملی از حقوق فرهنگی، در واقع بخشی از سیستم گسترده حقوق بشر است و بنابراین در هنجارهای موجود و اصول پذیرفته شده حقوق بین‌المللی بشری ریشه دارد.

<sup>1</sup> Ibid, pp. 5-6; Eide, Asbjorn, "Economic, Social and Cultural Rights as Human Rights", *Economic Social and Cultural Rights*, London, MartinusNijhoff Publishers, 2<sup>nd</sup> edit, 2001, pp. 16-25.

<sup>2</sup> "Report of the Independent Expert in the Field of Cultural Rights, Ms. Farida Shaheed, Submitted Pursuant to Resolution 10/23 of the Human Rights Council", *OP. Cit.* Para 3. Resolution: "Resolution 10/23. Independent Expert in the Field of Cultural rights", HRC, 10<sup>th</sup> session, 26 March 2009, Para 1.

<sup>3</sup> General Comment: "rights of Everyone to Take part in Cultural Life", Committee on Economic, Social and Cultural rights, General Comment No.21, 21 Dec. 2009 Para 1.

این حقوق با ایجاد پذیرش تنوع فرهنگی اجازه درک کامل اصول جهانی حقوق بشر را فراهم می‌کند و بدین ترتیب بستر را برای تحقق آن مهیا می‌نماید.<sup>1</sup>

گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی در این زمینه اضافه می‌کند که همچنین حقوق فرهنگی ابزاری ضروری برای توسعه، صلح و حذف کامل فقر است و برای ایجاد همبستگی اجتماعی و احترام و درک متقابل میان افراد و گروه‌ها، در عین حفظ تنوع‌هایشان، لازم می‌باشد.<sup>2</sup> برنامه‌های حقوق فرهنگی، این حقوق را برای هر فرد، به صورت فردی، اجتماعی و با دیگران در عضویت یک گروه یا جامعه تأمین می‌کند.

### گفتار دوم - تعریف و تعیین گستره‌ی حقوق فرهنگی

حقوق فرهنگی مفهومی است که شناخت و تعیین قلمرو آن ارتباط تنگاتنگی با معنی دریافتی از واژه فرهنگ دارد و به همین جهت به طور نزدیکی با تعاریف ارائه شده از فرهنگ در ارتباط است. در واقع این دیدگاه فرد نسبت به فرهنگ است که موجب شکل گرفتن تعریف خاصی از حقوق فرهنگی در ذهن وی و به تبع تعیین حوزه‌ی این مفهوم می‌گردد.

از این رو در این گفتار ما با دسته‌بندی تعاریف ارائه شده از فرهنگ در سه دیدگاه کلی و برگزیدن یکی از این دیدگاه‌ها به تعریف و تعیین قلمرو مفهوم حقوق فرهنگی با توجه به رویکرد گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه حقوق فرهنگی پرداخته‌ایم.

#### بند اول - تعریف حقوق فرهنگی

با توجه به اسناد مختلف حقوق فرهنگی در می‌یابیم، موارد مختلفی که از مصادیق حقوق فرهنگی شمرده شده‌اند، برگرفته از مفاهیم و دیدگاه‌های متمایز فرهنگ است. به همین جهت ضروری به نظر می‌رسد در ابتدا به اصطلاح شناسی «فرهنگ» پرداخته شود.

<sup>1</sup>. "Report of the Independent Expert in the Field of Cultural Rights, Ms. Farida Shaheed, Submitted Pursuant to Resolution 10/23 of the Human Rights Council", *Op. Cit.* Para 3.

<sup>2</sup>. *Ibid.*

از نظر لغوی، معانی مختلفی از کشت و کار گرفته تا ادب و هنر و علم و فضائل انسانی برای فرهنگ در لغت‌نامه زبان‌های مختلف ارائه شده است<sup>۱</sup>؛ اما به طور خلاصه با توجه به علم انسان‌شناسی، تعاریف ارائه شده اصطلاحی فرهنگ را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی نمود:

### ۱. فرهنگ به عنوان سرمایه

یکی از معانی معمول فرهنگ مجموعه میراث مادی بشری از جمله بناهای تاریخی، صنایع دستی و سایر ساخته‌های بشری است. با پیروی از این تعریف از فرهنگ، حق بر فرهنگ را می‌توان به حق بر دسترسی برابر افراد به این سرمایه فرهنگی تعبیر کرد؛ و توسعه فرهنگی نیز دسترسی بهتر به این سرمایه‌ها توسط مردم و گسترش آن است. بنابراین، انتشار کتب متعدد، ساخت موزه، ایجاد کانال‌های تلویزیونی به ویژه خصوصی و... از جمله فعالیت‌ها در راستای توسعه فرهنگی محسوب می‌شود. به بیان دیگر، در این مفهوم، رشد کمیته فرهنگی، برابر با توسعه فرهنگی است؛ اما پرسش اصلی این است که افزایش کمیته محصولات فرهنگی، به معنی توسعه فرهنگی یک جامعه است؟ به طور قطع نمی‌توان چنین دیدگاهی را پذیرفت.

### ۲. فرهنگ به عنوان خلاقیت

دومین نگاه موجود در رابطه با فرهنگ، تعریف فرهنگ به عنوان یک فرآیند هنری و علمی است. طبق این تعریف در هر جامعه‌ای افراد مشخصی هستند که به خلق فرهنگ می‌پردازند. از این منظر حق بر فرهنگ، حق افراد در خلق آزادانه آثار فرهنگی خود و حق همه‌ی افراد بر بهره‌مندی و دسترسی آزاد به این خلاقیت‌هاست.

این دیدگاه موجب تمایز فرهنگ نخبگان جامعه از فرهنگ عام می‌شود. در واقع این دیدگاه مفهوم فرهنگ را در فرهنگ نخبگان جامعه خلاصه می‌گرداند و حقوق فرهنگی به حق خالقان و متخصصان فرهنگ محدود می‌شود.

### ۳. فرهنگ به عنوان شیوه زندگی

از این دو دیدگاه که بگذریم به سومین رویکرد نسبت به فرهنگ می‌رسیم که بر گرفته از علم انسان‌شناسی است. از این منظر، فرهنگ به معنی مجموعه فعالیت‌های مادی و معنوی، و محصولات آن، در یک گروه اجتماعی است که آن را از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد. بنابراین، فرهنگ سیستمی یکپارچه و

<sup>۱</sup>. برای مطالعه بیشتر ن.ک: داوری، محسن، حقوق فرهنگی شهروندان (رویکردی اسلامی)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، صص ۷۳-۷۴.



خودساخته از ارزش‌ها و سمبل‌هایی است که یک گروه فرهنگی خاص در طول زمان پدید می‌آورد و از وضع‌های قراردادی و معانی که برای رفتارها و ارتباطات اجتماعی در زندگی روزمره افراد وضع شده است، تولید می‌گردد.<sup>1</sup>

طبق این تعریف، فرهنگ فرآیندی است که با تمامی جنبه‌های حیات انسان در ارتباط است و بالتبع در تمامی زوایای آن از پوشش، خوراک، نوع ساخت بناها تا آثار ادبی، هنری و علمی که انسان از خود به جای می‌گذارد را در بر می‌گیرد. در واقع فرهنگ نوع نگاه یک فرد یا گروه به زندگی است، ایدئولوژی و نحوه چگونگی زیستن است که در تمام ابعاد زندگی آن فرد یا گروه تأثیرگذار خواهد بود و به نوعی تشکیل دهنده هویت افراد انسانی و گروه‌هاست.

با مطالعه مواضع فوق‌الذکر شاید بتوان مفهوم حقوق فرهنگی را این طور جمع‌بندی نمود که: «حقوق فرهنگی در واقع حق بر انجام و بهره‌مندی و دسترسی آزادانه و بدون تبعیض فعالیت‌های فرهنگی، در هر یک از حوزه‌های مختلف یاد شده فرهنگ، از جمله زبان، عقیده، مذهب، عرفها، ارزش‌ها و سنت‌ها و... است که می‌تواند به صورت فردی، گروهی و یا اجتماعی به اشکال مختلف از جمله، ادبیات، هنر، ارتباطات و اطلاعات، تولید و تکنولوژی، موسیقی، زبان، پوشش، غذا، شیوه زندگی و ... تجلی یافته و ابراز گردد».

### بند دوم - تعیین قلمرو حقوق فرهنگی

مسئله تعیین گستره‌ی حقوق فرهنگی از مسائلی است که گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی سازمان ملل، طبق گزارش اول خود به شورای حقوق بشر به عنوان یکی از اساسی‌ترین چالش‌های حوزه‌ی حقوق فرهنگی بدان پرداخته است؛ چراکه فرهنگ پدیده‌ای است که دائماً ساخته و بازسازی و اختراع می‌شود. به این معنی که رسومی که مردم زندگی روزمره خود را بر اساس آن انجام می‌دهند، مرتباً تغییر می‌کند تا خود را با شرایط متغیر تاریخی هماهنگ سازند.<sup>2</sup>

در نظر عام تفسیری شماره 21 کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به این مسئله، این‌طور عنوان شده است که فرهنگ مفهومی وسیع و جامع است که تمامی حقوق موجود را در بر می‌گیرد. اصطلاح "زندگی یا حیات فرهنگی" (مطرح شده در ماده 15 میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) آشکارا به فرهنگ، به عنوان یک فرایند زنده، تاریخی، پویا و توسعه‌پذیر اشاره می‌کند. این کمیته در ادامه

<sup>1</sup>.Stavenhagen, Rodolfo, " Cultural Rights: A Social Science Perspective", *Economic Social and Cultural Rights*, London, MartinusNijhoff Publishers, 2<sup>nd</sup> edit, 2001, pp 87-89.

<sup>2</sup>. *Ibid.*

بیان می‌دارد که نباید مفهوم فرهنگ را به عنوان سلسله‌ای از موارد منحصر یا به عنوان مقوله‌ای سحرآمیز دید، بلکه باید آن را به عنوان فرایندی تعاملی در نظر گرفت که به موجب آن افراد و اجتماعات درحالی‌که ویژگی‌ها و اهداف خود را حفظ می‌نمایند، نمایانگر فرهنگ بشریت هستند<sup>1</sup>.

در واقع فرهنگ شیوه زندگی، زبان، آثار ادبی کتبی و شفاهی، موسیقی و آواز، ارتباطات غیرکلامی، نظام عقاید و مذهب، آیین‌ها و مراسم، ورزش‌ها و بازی‌ها، روش تولید یا تکنولوژی، محیط طبیعی و دست‌ساز انسانی، غذا، لباس، مأمّن، هنر، عرف و سنت‌های فردی، گروهی و اجتماعی است که موجودیت بشریت را ابراز می‌کند و دیدگاه افراد در مواجهه با نیروها و دنیای بیرون را می‌سازد و بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، فرهنگ آیین ارزش‌های سلامتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زندگی افراد، گروه‌ها و جوامع است که آن‌ها را شکل می‌دهد<sup>2</sup>. به همین جهت هر حقوقی که مرتبط با حمایت از هر یک از این تجلی‌های بشری باشد، در حوزه‌ی حقوق فرهنگی قرار می‌گیرد.

از این رو، حقوق فرهنگی با حوزه موضوعات گسترده‌ای در ارتباط است. از جمله می‌توان به حق ابراز و خلق اشکال متنوع مادی و معنوی هنر، ارتباطات و اطلاعات، زبان، هویت، آموزش و پرورش، شیوه‌ی زندگی، شرکت در حیات فرهنگی، هدایت فعالیت‌های فرهنگی، دسترسی به میراث فرهنگی شناخته شده و شناخته نشده و... اشاره کرد.

به همین جهت گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی در سال 2010 در چهاردهمین نشست شورای حقوق بشر، طی گزارش اول خود جهت روشن شدن موضوع حقوق فرهنگی این طور بیان داشته است که تعریف رسمی از حقوق فرهنگی وجود ندارد. همان‌طور که نمی‌توان تعریف رسمی از حقوق "مدنی"، "سیاسی"، "اقتصادی" و "اجتماعی" ارائه کرد. در واقع، تلاش برای ارائه چنین تعریف و تعیین قلمروی شایسته و مفید هم به نظر نمی‌رسد. در عوض باید برای فهم بهتر و تشخیص حقوق فرهنگی به عنوان «حقوقی که در زمینه فرهنگ هستند» تلاش کرد. این گزارشگر دیدگاه خود بر مسئله فرهنگ را بر دیدگاه پیش‌گفتار اعلامیه جهانی حقوق بشر و نظر عام تفسیری شماره 21 کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌دهد. بنابراین، بر این اعتقاد است که فرهنگ یک فرایند و شیوه زندگی زنده، پویا و توسعه‌پذیر است که نباید به آن به صورت سلسله‌ای از مصادیق منحصر حقوق نگاه کرد<sup>3</sup>. در نتیجه، بر اساس این نظرات، حقوق فرهنگی

<sup>1</sup>. General Comment: "rights of Everyone to Take part in Cultural Life", *Op. cit.* Para 11-12.

<sup>2</sup>. *Ibid*, Para 13.

<sup>3</sup>. *Ibid*, Para 12 ; Report: "Report of the Independent Expert in the Field of Cultural Rights, Ms. Farida Shaheed, Submitted Pursuant to Resolution 10/23 of the Human Rights Council", *Op. Cit.* Para 4-5.

شامل حقوقی است که در زمینه فرهنگ هستند و بر شمردن آنان به جهت گستره‌ی وسیع فرهنگ در همه‌ی ابعاد انسانی تقریباً غیر ممکن به نظر می‌رسد.

## گفتار سوم - ارتباط حقوق فرهنگی با مسائل و چالش‌های روز عرصه‌ی بین‌الملل

حقوق فرهنگی به جهت گستره‌ی وسیع خود با بسیاری از حق‌های بشری و مسائل بین‌المللی در ارتباط است که بررسی همه‌ی ابعاد آن در این نوشتار کوتاه غیر ممکن می‌نماید. به همین جهت در این قسمت تنها به بررسی ارتباط حقوق فرهنگی با موضوعات چالش برانگیز روز که در تبیین هر چه بیش‌تر حوزه‌ی حقوق فرهنگی و شناخت آن تأثیر مستقیم دارد، می‌پردازیم.

### بند اول - رابطه حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی

جهان از کشورهای مختلف با فرهنگ‌های متنوع تشکیل شده است. طبق ماده 1 اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی 2001 مصوب یونسکو: «فرهنگ‌ها در طول زمان و در مکان‌های مختلف به اشکال متفاوتی ظهور یافته‌اند. این تنوع ریشه در یگانگی و تکثر هویت‌های گروه‌ها و جوامع انسانی دارد. تنوع فرهنگی به عنوان منبعی برای تبادل، نوآوری و خلاقیت، به همان اندازه برای بشریت مفید است که تنوع زیستی برای طبیعت. به این ترتیب تنوع فرهنگی میراث مشترک بشری است و باید به نفع نسل‌های حال و آینده به رسمیت شناخته شده و تأیید شود»<sup>1</sup>.

طبق ماده مذکور تنوع فرهنگی واقعیتی است که در تعیین و تضمین حقوق بشری نمی‌توان بدان بی‌اعتنا بود و حفظ آن به همان اندازه که حفظ تنوع طبیعی برای بقای طبیعت لازم است، برای بقای حیات انسانی ضروری است. به همین جهت در ماده 4<sup>2</sup> این اعلامیه دفاع از تنوع فرهنگی بشری را یک واجب اخلاقی می‌شمارد. همچنین این ماده می‌افزاید که تضمین تنوع فرهنگی از احترام به کرامت انسان جدانشدنی نیست.

### 1. ارتباط متقابل حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی

<sup>1</sup>. Universal Declaration on Cultural Diversity 2001, Article 1.

<sup>2</sup>. ماده 4: «دفاع از تنوع فرهنگی بشری یک واجب اخلاقی است. دفاع از تنوع فرهنگی از احترام به کرامت انسانی جدانشدنی نیست. دفاع از تنوع فرهنگی بیانگر تعهد به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشر است، به ویژه حقوق اقلیت‌ها و مردم بومی...».

بر اساس بیانیهای که انجمن انسان شناسی آمریکا در پی تهیه پیش‌نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال 1947 به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارسال نمود در رابطه با این اعلامیه بیان داشت، اگر اعلامیه مزبور در پی رعایت و احترام به تفاوت افراد و کرامت انسان‌هاست، هر فرد شخصیت خود را از طرف فرهنگ خود درک می‌کند؛ در نتیجه احترام و رعایت تفاوت و کرامت افراد شامل احترام به تفاوت‌های فرهنگی افراد نیز می‌شود.<sup>1</sup> به همین جهت طبق ماده 4 اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی: «دفاع از تنوع فرهنگی بیانگر تعهد به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشر است، به ویژه حقوق اقلیت‌ها و مردم بومی».

این دفاع و آماده‌سازی بستر برای شکوفایی تنوع فرهنگی خلاق، از طریق رعایت حقوق فرهنگی ایجاد می‌شود. در واقع حقوق فرهنگی با تضمین حق همگان به آزادی بیان و ابراز فرهنگ خود، دسترسی بدون تبعیض و آزادانه به آثار فرهنگی، مشارکت همه‌ی افراد و گروه‌ها با هر گرایش فرهنگی در حیات فرهنگی جامعه خود و... زمینه را برای ابراز این تنوع فرهنگی فراهم نموده و آن را تقویت و حمایت می‌نماید.

اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی در ضمن ماده 4 خود حقوق بشر را ضمانتی برای تنوع فرهنگی ذکر می‌کند و در ماده 5 خود حقوق فرهنگی را زمینه ساز ظهور و حفظ تنوع فرهنگی می‌خواند.<sup>2</sup> گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی سازمان ملل نیز با توجه به این ماده، بیان داشته است که آزادی بیان، تکثیر رسانه‌ها، چند زبانی، دسترسی مساوی به هنر در هر شکل آن و دانش علمی و فنی از جمله به شکل دیجیتال، امکان دسترسی همه به امکانات بیان و انتشار، ضمانت تنوع فرهنگی هستند. وی تأکید می‌کند حق مشارکت در زندگی فرهنگی کلید حمایت از تنوع فرهنگی است و اعمال آزادی فرهنگی توسط همه می‌تواند تنوع فرهنگی را نیز بالا ببرد.<sup>3</sup>

<sup>1</sup>. Stavenhagen, Rodolfo, *Op. Cit.* p 94.

<sup>2</sup>. «ماده ۵- حقوق فرهنگی زمینه‌ساز ظهور و حفظ تنوع فرهنگی: ... لازمه شکوفایی تنوع خلاق، اجرای کامل حقوق فرهنگی است که در ماده ۲۷ از اعلامیه جهانی حقوق بشر و در ماده‌های ۱۳ و ۱۵ از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به آن اشاره شده است. بنابراین همه‌ی افراد حق دارند مقصود و ایده‌های خود را بیان کنند. به بیانی همه حق دارند خود را ابراز کنند. همه حق دارند کارهایشان را به هر زبانی که مایلند ارائه و منتشر کنند، به خصوص به زبان مادری خود. همه‌ی افراد حق دارند از آموزش کیفی و از آموزشی که تا حد امکان به هویت فرهنگی آنان احترام بگذارد، بهره مند شوند. همه افراد حق دارند فرهنگ مورد علاقه خود را در زندگی پیش گیرند، آن‌ها حق دارند فرهنگ خود و اعمال فرهنگی وابسته به فرهنگشان را اجرا کنند تا جایی که به حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر لطمه‌ای وارد نکنند».

<sup>3</sup>. "Report of the Independent Expert in the Field of Cultural Rights, Ms. Farida Shaheed, Submitted Pursuant to Resolution 10/23 of the Human Rights Council", *Op. Cit.* Para 25.

کنوانسیون حفظ و ترویج مظاهر فرهنگی 2005 یونسکو<sup>1</sup> نیز اشاره دارد که تنها اگر حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین همچون آزادی بیان، ارتباطات و اطلاعات تضمین شود، تنوع فرهنگی نیز می‌تواند حمایت و تقویت گردد.<sup>2</sup>

از سوی دیگر، رعایت، حمایت و تقویت تنوع فرهنگی برای تضمین رعایت کامل حقوق فرهنگی امری حیاتی است. در واقع، پذیرش ذهنی تنوع فرهنگی است که بستر را برای احترام و رعایت حقوق فرهنگی سایر افراد و گروه‌ها و به تبع آن حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین فراهم می‌آورد. بدون پذیرش درونی این تنوع و تفاوت‌ها توسط دیگران نمی‌توان از احترام به کرامت انسانی و حقوق بشری افراد سخن گفت. اهمیت این مطلب در گزارش توسعه حقوق بشر یونسکو به سال 2004 مطرح شده است. طبق این گزارش، مسلماً تحقق آزادی فرهنگی به اجازه تنوع در فعالیت‌های فرهنگی بستگی دارد.<sup>3</sup>

## 2. جهان شمولی حقوق بشر و تضمین تنوع فرهنگی

به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی و تضمین آن به وسیله حقوق فرهنگی از یک سو، و اصل جهان شمولی حق‌های انسانی به عنوان یک اصل پذیرفته شده بین‌المللی از سوی دیگر، ممکن است باعث ایجاد شبهاتی در مورد حقوق بشر گردیده و گاهی مخالف هم شناخته شود تا جایی که حتی برخی نویسندگان آن را پاشنه آشیل نظام حقوق بشر جهانی خوانده‌اند.<sup>4</sup>

این رویکرد در واقع از آن‌جا نشأت می‌گیرد که ممکن است برخی از فرهنگ‌ها با موازین حقوق بشر شناخته شده جهانی در تضاد باشند، از جمله ختنه کردن زنان که یک سنت معمول در برخی از کشورهای آفریقایی است. اندیشمندان و فعالان عرصه‌ی حقوق فرهنگی از ابتدا به این مسئله تناقض‌نا توجه ویژه داشته‌اند و برای رفع این چالش در اسناد متفاوت حقوق بشری و حقوق فرهنگی همواره این نکته مورد اشاره قرار گرفته است که تضمین و حمایت از یک فرهنگ تا زمانی توسط موازین حقوق بشر صورت می‌-

<sup>1</sup>. Convention on Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions 2005.

<sup>2</sup>. ماده ۱ کنوانسیون: «حفظ و ترویج تنوع فرهنگی فقط در پرتو تضمین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مانند آزادی بیان، اطلاعات و ارتباطات، همچنین آزادی افراد برای انتخاب بیان‌های فرهنگی، امکان‌پذیر است...».

<sup>3</sup>. *Ibid*, Para 28.

<sup>4</sup>. داوری، محسن، پیشین، ص ۱۷.

گیرد که اصول آن ناقض یا محدود کننده حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین به رسمیت شناخته شده نباشند.<sup>1</sup> بنابراین همه فعالیت‌های فرهنگی توسط موازین حقوق بشر مورد حمایت قرار نمی‌گیرند.

اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین 1993 نیز در این رابطه در حالی که لحاظ قرار دادن ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و تفاوت‌های تاریخی و فرهنگی و مذهبی را امری ضروری تلقی می‌کند، تأکید می‌کند که وظیفه دولت حمایت و تقویت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی جهانشمول و غیر قابل تفکیک است.<sup>2</sup>

اما نکته اساسی که گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی ملل متحد نیز بدان اشاره دارد این که تشخیص این امر که کدام یک از فعالیت‌های فرهنگی دقیقاً موجب نقض یا محدودیت حقوق بشر گردیده است و باید متوقف گردد، بسیار مشکل است. وی راهکار مناسب حل این مشکل را تعیین معیارها در سطح ملی و تاسیس یک ارگان قضایی مستقل برای تحقق این قوانین دانسته است. این مقام در ادامه بیان می‌دارد که تنها اقدامات قانونی در این زمینه کافی نیست و اقدامات سیاسی در این زمینه باید صورت گیرد که با بحث‌های باز و مشارکتی فرهنگ‌ها را به اصلاح الگوها و انجام فعالیت‌های سازگار حقوق بشر آگاه کند<sup>3</sup> و در این بخش ما با نقش فعالانه دولت در حمایت از حقوق فرهنگی مواجه هستیم.

## بند دوم - حقوق فرهنگی و فرآیند جهانی شدن

امروزه ابعاد مسئله جهانی شدن بیش از پیش بر ما آشکار شده است و ما این موضوع را صرفاً یک موضوع اقتصادی و محصور در بازارهای جهانی اقتصاد تلقی نمی‌کنیم. این مطلب در گزارش جهانی سال

---

<sup>1</sup> ماده ۴ اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی بیان می‌دارد: «... هیچ‌کس نباید از تنوع فرهنگی به عنوان ابزاری علیه حقوق بشر استفاده کند و یا دامنه کاربرد آن را محدود نماید، به‌خصوص با توجه به این مطلب که حقوق بین‌الملل متضمن اجرای حقوق بشر است»؛ و در ماده ۵ گفته شده: «... همه افراد حق دارند فرهنگ مورد علاقه خود را در زندگی پیش گیرند، آنها حق دارند فرهنگ خود و اعمال فرهنگی وابسته به فرهنگ‌شان را اجرا کنند تا جایی که به حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری لطمه‌ای وارد نکنند»؛ ماده ۲ کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی: «حفظ و ترویج تنوع فرهنگی فقط در پرتو تضمین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مانند آزادی بیان، اطلاعات و ارتباطات، همچنین آزادی افراد برای انتخاب بیان‌های فرهنگی، امکان‌پذیر است. هیچ کس نباید از مقررات این کنوانسیون برای تضييع یا محدود کردن حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسان مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر یا تضمین شده در حقوق بین‌المللی استفاده کند»؛ همچنین ن.ک.

Statement by Ms. Farida Shaheed, the Independent Expert in the field of cultural rights, to the Human Rights Council at its 14th session, 31 May 2010, Para 10; "Report of the Independent Expert in the Field of Cultural Rights, Ms. Farida Shaheed, Submitted Pursuant to Resolution 10/23 of the Human Rights Council", *Op. Cit.* Para 33; Resolution: "Resolution 10/23. Independent Expert in the Field of Cultural rights", *Op. Cit.* Para 4.

<sup>2</sup> Vienna Declaration and Programme of Action 1993, Part I, Sec. 5.

<sup>3</sup> "Report of the Independent Expert in the Field of Cultural Rights, Ms. Farida Shaheed, Submitted Pursuant to Resolution 10/23 of the Human Rights Council", *Op. Cit.* Para 36.



2009 یونسکو به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. در این گزارش ما شاهد آن هستیم که یونسکو به جهانی شدن به عنوان فرآیندی یک سوپه و یک بُعدی صورت گرفته به وسیله کشورهای غربی، برای مسلط کردن بازار جهانی اقتصادی و تمایل به استانداردسازی آن که راه ساده ساز نابود سازی تنوع فرهنگی است، نگاه نمی‌کند. بلکه درکی چندسویه و چند بُعدی از فرایند مذکور در نظر دارد. طبق این گزارش، جهانی سازی اصطلاحی برای افزایش تبادل هر آن چه در زندگی معاصر وجود دارد تعریف می‌شود، اعم از سرمایه، کالا، دانش، اطلاعات، ایده‌ها، مردم، اعتقادات و...<sup>1</sup>

با این دید می‌توان از جهانی شدن به عنوان فرصتی برای ملتها و گروه‌های فرهنگی جهت ترویج و توسعه فرهنگ خود در سایه تضمین کامل حقوق فرهنگی نام برد. در این رابطه می‌توان به پیش‌نویس اعلامیه تنوع جهانی 2001 اشاره کرد که بیان می‌دارد: «با نظر به اینکه فرآیند جهانی شدن که در سایه توسعه سریع فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی تسهیل شده است از طریق به چالش کشیدن تنوع زیستی شرایطی را برای ازسرگیری گفتگوی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها فراهم آورده است...». این دیدگاه با خوش‌بینی، جهانی شدن را فرصتی برابر و بدون تبعیض در اختیار تمامی کشورها و گروه‌ها جهت ترویج فرهنگ خود پنداشته است.

اما این حجم تبادل می‌تواند به جهت آسیب‌پذیری برخی جوامع به جریانی یک‌سویه تبدیل شده و برخی از کشورها را به بازار مصرف اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی تبدیل گرداند. این عقیده، به ویژه در کشورهای جهان سوم، همه گیر شده است که فرآیند جهانی شدن منجر به یکسان‌سازی فرهنگی خواهد شد. در واقع این دیدگاه، مسئله جهانی شدن را از این زاویه می‌نگرد که کشورهای مسلط غربی با سوار شدن بر موج جهانی شدن و جهانی‌سازی با توجه به امکانات و توانایی‌های پیشرفته و قدرت خود، فرهنگ خویش را بر سایر فرهنگ‌های موجود در جهان تحمیل خواهند کرد و این موجب یکدست‌سازی فرهنگی جهان به سود غرب خواهد شد.

هر چند این دیدگاه تا حدودی مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد، اما بر اساس اعلام گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی ملل متحد باید در نظر داشت که برخی از جوامع و اجتماعات در فرآیند جهانی بسیار آسیب‌پذیرتر هستند و به حاشیه رانده شده‌اند و این نگرانی از ضربه جهانی شدن به حقوق فرهنگی در اجتماعات

<sup>1</sup>. Ibid, Para 45.

کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته وجود دارد. وی همچنین اشاره می‌کند تنش‌هایی که تغییرات فرهنگی سریع پدید می‌آورد به خصوص زمانی که حالت تحمیلی داشته باشد را نباید دست کم گرفت.<sup>1</sup>

اما راه حل رفع این مشکل ایستادن در برابر موج جهانی سازی نیست؛ چرا که تبادل متقابل فرهنگی و به دنبال آن ادغام متقابل همواره میان جوامع و اجتماعات از طریق تبادل اطلاعات، تجارت و مهاجرت وجود داشته و دارد و امروزه با توجه به امکانات موجود روند آن سریع‌تر گردیده است. همچنین همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، فرهنگ، فرآیندی پویا و زنده است و اقداماتی که مانع تغییرات فرهنگی گردد ممکن است بی‌نهایت به فرهنگ و حقوق فرهنگی صدمه بزند.

به همین جهت به نظر می‌رسد نمی‌توان جریان توسعه و جهانی‌سازی را با تکیه بر این مضرات متوقف نمود، بلکه باید این جریان را با سیاست‌های مناسب برای جلوگیری از پیامدهای منفی توسعه و جهانی‌سازی، در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی دنبال کرد.

در این رابطه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان داشته است که توسعه در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... به تنهایی موجب عدم تطابق با اصول میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تعهدات دولت به موجب آن نمی‌گردد؛ اما اگر این توسعه‌ها با سیاست‌های مناسب مضاعف همراه نباشد، جهانی شدن خطر سقوط مرکزیت حقوق بشر و به تبع آن حقوق فرهنگی به عنوان قسمتی از آن را فراهم می‌آورد. کمیته مزبور بیان می‌دارد که توجه ویژه‌ای باید به پیامدهای منفی جهانی شدن، خصوصی‌سازی کالاها و خدمات و قانون زدایی از حق بر شرکت در حیات فرهنگی مبذول داشت.<sup>2</sup>

یونسکو نیز گام‌های قانونی مهمی در عکس‌العمل به تأثیرات مضر جهانی شدن بر تنوع فرهنگی برداشته است. اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی و کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی تأکید نموده‌اند که با ارزش‌ها، معانی، کالاها و خدمات فرهنگی نباید مانند یک کالای تجاری و مصرفی رفتار شود. همچنین دولت‌ها را به توسعه سیاست‌های فرهنگی‌شان که لزوماً با قواعد بازار آزاد هم‌جهت نیستند تشویق نموده‌اند. در برخی موارد این اسناد ظرفیت دولت‌ها را برای تصویب اقدامات لازم برای حفظ و توسعه و انتشار علم و فرهنگ افزایش می‌دهند، از جمله مقرر ماده 15(2)<sup>3</sup> میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>1</sup>.

<sup>1</sup>. *Ibid*, Para 46.

<sup>2</sup>. *Ibid*, Para 47.

<sup>3</sup>. ماده 15(2) میثاق: «اقداماتی که بوسیله دولتهای عضو برای دستیابی و تحقق کامل این حقوق در این میثاق بعمل خواهد آمد، شامل اقدامات لازم جهت حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ می‌باشد».

گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی ملل متحد توجه به مسئله تضمین حقوق فرهنگی در فرآیند جهانی سازی و توسعه را در گزارش اول خود به شورای حقوق بشر مورد توجه قرار داده است و معتقد است این مسئله نیازمند توجه جدی جهانی است. وی به عنوان نخستین راه حل تضمین این حقوق، بر حمایت و توجه ویژه به آزادی های فرهنگی (آزادی بیان، اطلاعات، خلاقیت، پژوهش های علمی، مشارکت و تبادل فرهنگی علی-رغم وجود مرزها) تأکید می کند و بیان می دارد خلق و حفظ یک فضای باز برای اعمال این آزادی ها لازم است. وی این اقدامات را برای توانمندی افراد و گروه ها در جهت حفظ و توسعه و انتقال میراث فرهنگی شان ضروری تلقی می کند.<sup>2</sup>

### فرجام سخن:

در پایان آنچه از بررسی های فوق می توان دریافت اینکه ارائه یک تعریف جامع و مانع از حقوق فرهنگی به دلیل تفاوت دیدگاه ها در مورد فرهنگ و تحول پذیری خود فرهنگ بسیار دشوار و نیازمند بحث و بررسی-های ژرف خواهد بود. علی رغم تحقیقات فراوان در این زمینه به ویژه در عرصه ی انسان شناسی، همچنان تعریف دقیقی نمی توان از آن ارائه نمود. اما با توجه به رویکرد گزارشگر ویژه حقوق فرهنگی سازمان ملل در این زمینه و پذیرش عدم لزوم محصور کردن این جریان در تعریفی آکادمیک، حقوق فرهنگی، به مفهوم کاربردی، حقوقی است که بر فعالیت های فرهنگی و جهت حمایت از آنها وضع می گردد. به همین جهت در این زمینه ما با گستره ی وسیعی از فعالیت ها و حقوق حاکم بر آنها با توجه به تعریف و دیدگاه خود از فرهنگ مواجه هستیم.

همچنین به جهت اینکه فرهنگ یک فرآیند زنده، پویا و توسعه پذیر است در حوزه این حقوق و فعالیت-های آن همواره ما با تغییرات عظیمی روبرو هستیم. از این رو شمارش و منحصر کردن حقوقی که در این قلمرو قرار می گیرند بسیار مشکل می نماید و باید قدم به قدم در راستای شناسایی این حقوق به صورت موردی پیش رفت. به علاوه، باید مراقب بود که وضع مقررات مربوطه جهت حفظ و نگهداری یک فرهنگ بر اساس حقوق فرهنگی، می بایست بر مبنای تنوع فرهنگی و احترام به فرهنگ سایر افراد و گروه ها صورت پذیرفته و مانعی بر سر پویایی و توسعه آن قرار نگیرد؛ چرا که ممکن است لطمات جبران ناپذیری به آن فرهنگ وارد نموده و موجبات نابودی کامل آن را فراهم نماید.

<sup>1</sup>.Ibid, Para 48.

<sup>2</sup>Ibid, Para 52.

## فهرست منابع:

### ۷ فارسی

§ دآوری، محسن، حقوق فرهنگی شهروندان (رویکردی اسلامی)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، 1389.

§ 5

ریون، میتوسی. آر. چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترجمه محمد حبیبی مجنده، قم، دانشگاه علوم انسانی مفید، 1387.

### ۷ انگلیسی

\_کتاب، مقالات، بیانیه‌ها و گزارش‌ها

§ Eide, Asbjorn, "Economic, Social and Cultural Rights as Human Rights", *Economic Social and Cultural Rights*, London, MartinusNijhoff Publishers, 2<sup>nd</sup> edit, 2001, p16.

§ Eide, Asbjorn and Allan Rosas, "Economic, Social and Cultural Rights: A Universal Challenge", *Economic Social and Cultural Rights*, London, MartinusNijhoff Publishers, 2<sup>nd</sup> edit, 2001, p 4.

§ General Comment: "rights of Everyone to Take part in Cultural Life", Committee on Economic, Social and Cultural rights, General Comment No.21, 21 Dec. 2009.

§ Intergovernmental conference on cultural policies for development (30 march- 2 April 1988, Stockholm).

§ Intergovernmental conference on institutional administrative and financial aspects of cultural policies (24 Aug. - 2 Sep. 1970, Venice).

§ Report: "Report of the Independent Expert in the Field of Cultural Rights, Ms. Farida Shaheed, Submitted Pursuant to Resolution 10/23 of the Human Rights Council", A/HRC/14/36/, 22 march 2010.

§ Seminar organized by the Office of the High Commissioner for Human Rights, in partnership with the International Organization of La Francophonie and UNESCO, in collaboration with the Observatory of diversity and cultural rights, 1 - 2 February 2010.

- § Statement by Ms. Farida Shaheed, the Independent Expert in the field of cultural rights, to the Human Rights Council at its 14th session, 31 May 2010.
- § Stavenhagen, Rodolfo, " Cultural Rights: A Social Science Perspective", *Economic Social and Cultural Rights*, London, MartinusNijhoff Publishers, 2<sup>nd</sup> edit, 2001, p 84.
- § World Conference on cultural policies (26 July- 6 Aug. 1982, Mexico city).

\_ اسناد

- § Convention concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, Paris, 16 November 1972.
- § Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict with Regulations for the Execution of the Convention 1954.
- § Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions, Paris, 20 October 2005.
- § Declaration of Principles of International Cultural Co-operation 1966.
- § Resolution: "Resolution 10/23. Independent Expert in the Field of Cultural rights", HRC, 10<sup>th</sup> session, 26 March 2009.
- § Resolution: "World Decade for Cultural Development", 11/20, UNESCO, 22th session, 1983.
- § Vienna Declaration and Programme of Action 1993.
- § UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity, 2 November 2001.